

بخش
چهارم

تربیت جنسی کودک و نوجوان

دکتر علی اصغر احمدی

اشاره

آموزش‌های منظم و سازمان‌یافته دریافت‌کنند تا غرایز جنسی آن‌ها در مسیر رشد طبیعی قرار گیرد. در ادامه مباحث گذشته، در این شماره به بررسی موضوع هویت جنسی از دو منظر نگاه تحولی و نگاه جامعه‌شناسی فرهنگی و نقش آن در تربیت جنسی خواهیم پرداخت.

هویت جنسی

هویت جنسی یکی دیگر از مباحث تربیت جنسی و عبارت است از: «احساس جامع، منسجم و رضایت‌بخش از من^۱ جنسی متناسب با جنسیت بدنی. این احساس باید، همراه با چارچوب‌هایی شناختی بوده که هدایت‌گر رفتار اجتماعی فرد متناسب با جنسیت او باشد.» براساس این تعریف، هویت جنسی همان چیزی است که صفت دختر، پسر، مردی و زنی فرد از آن ناشی می‌شود؛ ضمن اینکه باید دانست هویت جنسی، تابعی از تحول هویت فرد به معنای عام آن نیز می‌باشد که این خود بحثی است از مباحث روان‌شناسی رشد و از قوانین آن تبعیت می‌کند. هویت جنسی به‌عنوان بخشی از فرهنگ هر جامعه نیز قابل بررسی است و در این زمینه به شدت وابسته به فرهنگ است. این که دختر یا پسر بودن و زن یا مرد بودن چه مفهومی را به ذهن متبادر می‌سازد از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت بوده و دارای حد و مرز فرهنگی است. به این ترتیب هویت جنسی را باید از دو نگاه مکمل مورد بررسی قرار داد: ۱. نگاه تحولی^۲ و ۲. نگاه جامعه‌شناسی فرهنگی^۳. ۱. نگاه تحولی؛ هویت تابعی از رشد عمومی دوره نوجوانی است. دوره نوجوانی دوره هویت‌جویی است. نوجوان در این دوره تلاش

همان‌گونه که در بخش سوم مقاله در شماره قبل ذکر شد، زمینه‌ها و عوامل تربیتی متعددی در بروز آسیب‌های جنسی نقش دارند. نخست آن که محیط رشد کودک به لحاظ روان‌شناختی باید محیطی ایمن باشد و بتواند علاوه بر تأمین امنیت جسمانی کودک، ایمنی روانی، نظم، پیش‌بینی‌پذیری و قابل اتکا بودن راهم دربرگیرد. عوامل متعددی می‌تواند احساس ایمنی و به دنبال آن دل‌بستگی ایمن کودک و نوجوان را تهدید کند از جمله می‌توان به تأثیر غفلت و رهاشدگی، رفتارهای تکانشی، حاکمیت ترس در خانواده و حاکمیت احساس گناه و شرمساری در این زمینه اشاره نمود.

دومین عاملی که می‌تواند برای کودک و نوجوان آسیب‌زا باشد، تجربیات نابه‌جا، بی‌موقع و نامناسب جنسی است. همان‌طور که گفته شد، غریزه جنسی انسان از ترکیب سه عنصر شناخت مناسب، هیجان مناسب و عمل و رفتار مناسب از قوه به فعل می‌رسد و در صورت وجود تناسب و هماهنگی بین این عناصر، کارکرد کامل و سازنده این غریزه حیاتی تحقق می‌یابد. هرگونه ناهماهنگی بین این اجزا می‌تواند موجب بدکارکردی و انحراف غریزه جنسی شود. تجربیات جنسی نابه‌جا و نامناسب در اشکال گوناگون نظیر خودتحریکی کودکانه، سوءرفتار جنسی و دریافت اطلاعات غیرمترقبه مشاهده می‌شود.

فقدان چارچوب‌های شناختی هدایت‌گر سومین عامل مؤثر در بروز آسیب‌های جنسی است. کودکان و نوجوانان نیاز دارند اطلاعات خود را درباره تغییرات جنسی به موقع و در قالب

این که دختر یا پسر بودن و زن یا مرد بودن چه مفهومی را به ذهن متبادر می‌سازد از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت بوده و دارای حد و مرز فرهنگی است. به این ترتیب هویت جنسی را باید از دو نگاه مکمل مورد بررسی قرار داد: ۱. نگاه تحولی و ۲. نگاه جامعه‌شناسی فرهنگی

برهم‌زننده این قاعده است.

هم‌جنس‌گرایان را باید نمونه‌ای از کسانی که دارای اختلال هویت هستند در نظر بگیریم و این علی‌رغم آن است که در حال حاضر، در آسیب‌شناسی رفتاری، هم‌جنس‌گرایی را نه تنها در زمره اختلالات هویتی بلکه در هیچ اختلالی طبقه‌بندی نمی‌کنند. لکن باید در مورد آن نیز به وجود نوعی اختلال هویت اشاره داشته باشیم. مردی که در جایگاه زوج منفعل در روابط جنسی ایفای نقش می‌کند نمی‌تواند خود را کاملاً مرد به‌شمار آورد و زنی هم که ایفای نقش فعال در چنین رابطه‌ای دارد نمی‌تواند کاملاً خود را یک زن به‌شمار آورد. در مواردی هم که یک فرد هر دو نقش را در یک رابطه هم‌جنس‌گرایانه ایفا می‌کند، نوعی اختلال در هویت جنسی خود دارد. بحث‌های جانبی در مورد هویت جنسی هم‌جنس‌گرایان، به دلیل حذف این رفتار از مجموعه اختلالات روانی، مورد چشم‌پوشی قرار گرفته است. اگر این بحث از کتاب‌های آسیب‌شناسی روانی حذف نمی‌شد، جا داشت که علاوه بر ناپه‌ن‌جار دانستن این رفتار، از وجود درجاتی از اختلال هویت جنسی نیز در مورد هم‌جنس‌گرایان سخن به میان آید. با توجه به این که بحث نارضایتی یا ملال جنسیتی در کتاب‌های

می‌کند خود را بشناسد و تصویری نسبتاً منسجم، هدایت‌گر، رضایت‌بخش و برانگیزاننده از خود به دست آورد. این تصویر دربرگیرنده عناصر گوناگونی از جمله در زمینه جنسیت، دین، ملیت، شغل، تحصیل و بسیاری از فعالیت‌های متفرقه از قبیل ورزش، هنر و سرگرمی می‌شود؛ اما جنسیت از مهم‌ترین این عناصر به‌شمار می‌آید.

در واقع هویت جنسی است که تکلیف فرد را با خودش، در زمینه جنسیت، و نیز چگونگی رفتار با هم‌جنسان و غیرهم‌جنسان، مشخص می‌سازد. چگونگی اختلاط بین دو جنس، و ازدواج، به کمک همین بخش از هویت تعیین پیدا می‌کند و رقم می‌خورد. با وجود این که گفتیم شکل و نوع ارتباط با جنس مکمل می‌تواند ناشی از فرهنگ جامعه باشد. لکن این هویت جنسیتی نوجوان است که الگوی طبقه‌بندی او در هر یک از دو گروه جنسیتی مذکر یا مؤنث قرار می‌گیرد. بدین ترتیب انتظار می‌رود هر کسی، خود را در گروهی طبقه‌بندی کند که واقعیت جسمانی او ایجاب می‌کند. لذا یک بدن پسرانه باید یک هویت پسرانه را به دنبال داشته باشد و یک بدن دخترانه هم باید هویتی دخترانه را از خود بروز دهد. به رغم این قاعده، مواردی نیز وجود دارد که هویت جنسی پسر یا دختری از فیزیولوژی بدنسی او تبعیت نمی‌کند. در این صورت اختلال هویت جنسی با نام نارضایتی جنسی - که در DSM V به ملال جنسیتی^۵ تغییر نام پیدا کرده است - اتفاق می‌افتد که



گاهی هویت جنسی یک پسر یا دختر از فیزیولوژی بدنی او تبعیت نمی‌کند. در این صورت اختلال هویت جنسی با نام نارضایتی جنسی - که در DSM V به ملال جنسیتی تغییر نام پیدا کرده است - اتفاق می‌افتد

آسیب‌شناسی روانی، و از جمله در DSM V مطرح شده است، ما در اینجا راجع به علائم و علل آن سخن نمی‌گوییم، بلکه فقط این نکته را مورد توجه قرار می‌دهیم که مبتلایان به این اختلال، خودشان را این‌گونه توصیف می‌کنند: بدن من بدن یک مرد (یا زن) است ولی روحم روح یک زن (و یا مرد). این تعبیر، توصیفی بسیار گویا از وضعیت این اختلال است. بنابراین، برای ما که نگاهی فوق‌مادی و یا غیرلائیک به شخصیت و رفتار انسان داریم، این سؤال به‌وجود می‌آید که آیا روح انسان نیز دارای جنسیت است و به عبارت دیگر آیا روح، فارغ از بدن، دارای جنسیت است و یا اینکه تعلق آن به بدن، جنسیت آن را مشخص می‌سازد. پاسخ گفتن به این سؤال که شاید سؤالی است برای تمامی متفکران مذهبی، بر عهده فلاسفه مسلمان و یا متکلمان است.

۲. دیدگاه جامعه‌شناسی فرهنگی؛ در این دیدگاه، برای تبیین هویت جنسی، به سراغ اندیشه‌های رایج در جامعه باید رفت. در این دیدگاه دست‌کم در دو زمینه می‌توان در جست‌وجوی هویت

جنسی بود: اول در زمینه تعیین هویت جنسیتی زن و مرد ایرانی به گونه‌ای که واقعاً هست، و دوم در زمینه هویت زن و مرد ایده‌آل، یعنی پاسخ دادن به این سؤال که، هویت زن و مرد ایده‌آل دارای چه صفاتی است یا دارای چه صفاتی باید باشد؟ پاسخ به این سؤال نقش مهم‌تری برای تربیت دارد. از آنجایی که در تربیت باید اهدافی را دنبال کرد، می‌توان اهداف مربوط به تربیت هویت جنسی یا بهتر است بگوییم هویت جنسیتی را از ترسیم شخصیت ایده‌آل زن و یا مرد مطلوب به‌دست آورد.

من فرصتی نیافتم تحقیقات انجام شده در این دو زمینه را بررسی کنم لکن از آنجایی که هدف اصلی در این نوشتار ارائه خطوط اساسی برای تربیت جنسی کودک و نوجوان ایرانی است، در ادامه، برخی از صفات مطلوب برای زن و مرد ایرانی را مورد بحث قرار می‌دهم. این صفات بعضاً در متون دینی ما آمده و یا برگرفته از برخی از صفات اخلاقی پسندیده اسلامی است.

• کرامت

کرامت صفتی است که دلالت بر بزرگواری و بزرگ‌منشی فرد دارد. با این که صفات زیرمجموعه کرامت، بیشتر برای مردان قابل تصور است، لکن هیچ‌کس این صفات را از زنان، جز در مواردی نادر، سلب نکرده است. به این ترتیب ضمن در نظر گرفتن ویژگی‌های کرامت برای هر دو جنس، آن را بیشتر برای مرد ایده‌آل در نظر می‌گیرند. نقطه مقابل کرامت، لثامت یا پستی است. به کسی که دارای کرامت است کریم می‌گویند، فردی که فاقد ویژگی‌های انسان کریم است، لثیم به‌شمار می‌آید. مهم‌ترین ویژگی‌های انسان کریم عبارت است از:



یافتن پاسخی جامع در زمینه هویت جنسیتی مردانه و زنانه مطلوب و ایده‌آل، نیازمند تحقیقی نسبتاً گسترده است تا بتوانیم یک تصویر اجتماعی ایده‌آل از مرد و زن را استخراج کنیم

۱. **خوش‌قولی.** انسان کریم، انسانی است خوش قول. حدیث معروف حضرت علی(ع) که فرمود: **الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَى**، در زبان فارسی تبدیل به یک ضرب‌المثل شده است. کریم اگر وعده‌ای دهد به آن عمل می‌کند. و یا: **وَعَدَ الْكَرِيمُ نَقْدًا وَتَعْجِيلًا**، یعنی وعده کریم وعده‌ای است نقد و حاضر. بر این اساس ضرب‌المثلی است در زبان فارسی که می‌گوید: «مرد است و قولش» یعنی مردانگی را با پای‌بندی مرد به قول خودش برابر می‌دانند. این پای‌بندی یکی از ویژگی‌های کرامت به‌شمار می‌آید.

ارزش سخن و کلام را دانستن، از جمله راست‌گویی، گزیده‌گویی، کم‌گویی، پاکی کلام و اجتناب از ناسزاگویی، غیبت، سخن‌چینی، تهمت و ورود به مطالب پیش‌پاافتاده، همگی از صفات مردانه به‌شمار می‌آیند. با اینکه به لحاظ اخلاقی این صفات برای زن و مرد یکسان به‌شمار آمده، لکن به لحاظ اجتماعی و الگوی مردانه و زنانه، بیشتر الگویی مردانه به‌شمار می‌آید.

۲. **بخشنده‌گی.** شخص کریم به دو معنا بخشنده است؛ اول اینکه گشاده‌دست و اهل بذل مال خویش و به معنایی سخاوتمند است و دوم اهل عفو است یعنی از خطای دیگران، به‌ویژه نسبت به خود به سادگی می‌گذرد. گشاده‌دستی را برای زن ناپسند به‌شمار آورده‌اند ولی نوع دوم بخشش یعنی عفو را برای هر دو جنس پسندیده به‌شمار آورده‌اند؛ صفتی که برای حفظ خانواده بسیار ضروری است.

۳. **آبروداری.** شخص کریم مراقب جایگاه اجتماعی خویش است. او از بدنامی گریزان و خواهان خوش‌نامی است. مالش را در راه حفظ آبرویش صرف می‌کند در حالی که شخص لثیم آبرویش را می‌دهد تا مالش را حفظ کند. توجه به شأن و جایگاه ارزشمند اجتماعی فرد، از صفات اشخاص کریم، اعم از زن و مرد است.

● حیا

حیا یک صفت پسندیده اخلاقی است که هم برای مرد و هم برای زن پسندیده است، لکن در عرف یا در افکار عمومی جامعه، آن را ویژه زنان به‌شمار می‌آورند. این نوع حیا بیشتر بر روابط اجتماعی تأکید دارد. در روابط اجتماعی، به‌ویژه زمانی که پای مردان دیگر به میان می‌آید، خویش‌تن‌داری زن حیا نامیده می‌شود. اجتناب از شوخی و امتزاج زائد، حاضر جوابی نکردن، سخنان سبک به زبان نیاوردن و اجتناب از رفتار گرم و صمیمانه، به‌ویژه با نامحرمان، اشاره به حیا دارد. این نگاه، یک نگاه اجتماعی به حیاست؛ معنای اخلاقی آن تا حدی با این

معنا متفاوت است تا جایی که حیا در مقابل خدا هم معنا دارد.

● شجاعت

شجاعت صفتی است که عمدتاً مردانه به‌شمار می‌آید. حتی در مواردی آن را برای زنان ناپسند شمرده‌اند. شجاعت مرد و جنبه احتیاط‌گری زن در مواجهه با منابع تهدیدکننده، دو صفت مکمل یک دیگر به‌شمار می‌آیند.

● صبر و تأنی

صبر و تأنی، که در نقطه مقابل عجله قرار دارد، برای زن و مرد صفتی پسندیده به‌شمار می‌آید. درخصوص این صفت تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که آن دو را اندکی از هم متمایز می‌کند. صبر برای مرد زمانی یک صفت پسندیده به‌شمار می‌آید که متمرکز بر محیط خارج از خانه و به هنگام مواجه شدن با شرایط سخت بیرونی است. این در حالی است که صبر زن ناظر بر تحمل ناملایمات زندگی خانوادگی و تربیتی و گاه رفتارهای غیرقابل تحمل مرد است. این دو نوع صبر اختصاص به یک جنس ندارند، ولی در اندیشه اجتماعی مردم ایران چنین انعکاسی دارند.

● ملاحظات درباره ویژگی‌های ایده‌آل زنان و مردان

در مورد ویژگی‌های فوق ملاحظات وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد؛ به این شرح که:

- یافتن پاسخی جامع در زمینه هویت جنسیتی مردانه و زنانه مطلوب و ایده‌آل، نیازمند تحقیقی نسبتاً گسترده است تا بتوانیم یک تصویر اجتماعی ایده‌آل از مرد و زن را استخراج کنیم.

- رفتارهای کسانی که هیچ‌گونه ملاحظات انسانی و فرهنگی در اعمال خویش ندارند، نمی‌تواند ملاک تعیین زن یا مرد ایده‌آل باشد. کسانی که هرگونه راحت‌طلبی، لذت‌جویی، لاپابالی‌گری و بی‌فکری را در زمینه رفتارهای اجتماعی خود مجاز و مباح می‌دانند، نمی‌توانند ملاک تعیین بهنجاری و ایده‌آلی به‌شمار آیند. بنابراین مشاهده رفتارهایی که بیش از همه به چشم می‌خورد، ملاک هیچ‌گونه ایده‌آلی برای تربیت جنسی فرزندان این آب و خاک نیست.

- تعلیم و تربیت کشور باید با جدیت تثبیت هویت جنسی دختران و پسران را در دستور کار خود قرار داده و برای حفاظت از کیان خانواده و آینده جامعه ایران، در جهت پرورش درست آن اقدام کند.

● پی‌نوشت‌ها

1. Ego
2. Developmental viewpoint
3. Cultural sociological viewpoint
3. Transsexualism
5. Gender Dysphoria